

یافته های نوین در حوزه یاددهی-یادگیری در دوره ابتدایی

مرداد ماه ۱۳۹۹ - بندرعباس

منابع انسانی و یادگیری دانش آموزان ابتدایی

مرضیه قاضی ویشکایی^{۱*}، فیروزه محمدی گرفمی^۲، سعید برومند نیای شادی^۳

۱- کارشناس مسئول آموزش ابتدایی اداره کل آموزش و پرورش استان گیلان

Email: saeedbromand88@gmail.com

۲- کارشناس آموزش ابتدایی اداره کل آموزش و پرورش استان گیلان

Email: saeedbromand88@gmail.com

۳- کارشناس آموزش ابتدایی اداره کل آموزش و پرورش استان گیلان

Email: saeedbromand88@gmail.com

چکیده:

یادگیری به فرایند ایجاد تغییر نسبتا پایدار در رفتار یا توان رفتاری که حاصل تجربه است گفته می شود و نمی توان آن را به حالت‌های موقتی بدن مانند آنچه بر اثر بیماری، خستگی یا داروها پدید می آید نسبت داد. تغییرات روز افزون جامعه بشری و پیچیدگی سطح زندگی ایجاب می کند تا نگاه تحولی و تخصصی به امر آموزش و یادگیری داشته باشیم. در رویکردهای نوین آموزشی، دانش آموز موجودی پذیرنده صرف نمی باشد بلکه موجودی فعال و مشارکت جو در فرایند یاد دهی و یادگیری بشمار می آید و محیط و منابع قابل دسترس تاثیر بسزایی در یادگیری دارند. هر چقدر محیط و منابع یادگیری قوی تری داشته باشیم میزان یادگیری بیشتر و پایداری را شاهد خواهیم بود. کتاب های درسی یکی از مهم ترین مراجع و منابع یادگیری در نظام آموزشی محسوب می شوند لیکن تنها رسانه یادگیری بشمار نمی آیند، تهیه نرم افزارها، ایجاد وب گاه ها، پایگاه اطلاع رسانی و تبادل تجربیات از دیگر موارد نام بردنی می باشند، از طرفی با توجه به نقش مشارکتی و فعال دانش آموز، در نظام یاد دهی و یادگیری معلم به عنوان عنصر اصلی و بالاترین مرجع تعیین کننده منبع آموزشی، که بستر ساز فرصت های متنوع یادگیری در سازمان اجتماعی یادگیری بنام مدرسه، می باشد.

کلمات کلیدی: یادگیری، فرآیند یاد دهی-یادگیری، محیط، تغییر پایدار

یافته های نوین در حوزه یاددهی-یادگیری در دوره ابتدایی

مرداد ماه ۱۳۹۹ - بندرعباس

مقدمه

کودکان از طریق بازی آمادگی و ظرفیت خود را برای یادگیری و زندگی بهبود می بخشند. متخصصان اعتقاد دارند بازی در رشد سالم مغز دارای اهمیت است و اجازه می دهد تا کودکان با استفاده از قدرت خلاقیت، مهارت های فیزیکی، شناختی و عاطفی را در خود تقویت کنند، به عبارتی کودکان از طریق بازی کردن به تعامل و کشف دنیای پیرامون خود می پردازند. همچنین نقش بازی در رشد عاطفی کودکان از اهمیت خاصی برخوردار است چرا که چگونگی ابراز احساسات و مدیریت هیجان را تمرین می کنند و هیجانات مثبت و منفی اطرافیان را درک کرده و می پذیرند. بایستی همسو با ویژگیهای عصری باشد که دانش آموزان در زندگی بزرگسالی با آن سر و کار خواهند داشت؛ یعنی در صورت فقدان همسویی میان این ویژگی ها از یک سو و جهت گیری ها و اهداف تعلیم و تربیت از سوی دیگر، اعتبار این فرآیند مخدوش شده و منطبق بر دفاعی برای پشتیبانی از آن وجود نخواهد داشت. البته با طرح این موضوع، غرض، حمایت از نظریه تطابق اجتماعی در تعلیم و تربیت که به خاطر کمک به حفظ وضع موجود جامعه و باز داشتن آن از تحول، ترقی و کمال مورد انتقاد قرار می گیرد، نیست؛ بلکه به گونه کلی تر و عمومی تر به شرایط متحول و متفاوتی توجه دارد که نوع بشر، نه صرفا انسانهایی که در یک جامعه خاص زندگی می کنند، با آن ها سر و کار خواهند داشت و عدم عنایت نسبت به آن ها، موجب ساقط شدن تعلیم و تربیت از مرتبه سودبخشی در مراحل دیگر زندگی و بدین ترتیب در جا زدن جوامع از حیث دستیابی به مراحل بالاتر کمال و ترقی می گردد. انفجار دانش مفهومی است که در همین زمینه به کار گرفته شده و حکایت از سرعت تولید دانش و اطلاعات نوین از یک سو و منسوخ شدن یافته ها و آگاهی های قبلی از سوی دیگر دارد.

یافته های نوین در حوزه یاددهی-یادگیری در دوره ابتدایی

مرداد ماه ۱۳۹۹- بندرعباس

نقش معلم^۱

معلم در رویکرد رفتار گرایی نقش کلیدی و تعیین کننده دارد. او موضوع آموزش را مشخص و اطلاعات را به دانش آموزان منتقل کرده؛ میزان یادگیری دانش آموزان را در مراحل مختلف کنترل و بالاخره فعالیت های مطلوب آن را تقویت می کند.

نحوه ارتباط معلم و شاگرد

ارتباط معلم و شاگرد؛ در این رویکرد ارتباطی یک جانبه است که در آن معلم انتقال دهنده دانش و دانش آموز دریافت کننده آن است. [1]

رویکرد یاددهی و یادگیری مکتب شناخت گرایی

این رویکرد براساس نظریه شناختی پیازه تدوین شده و از بررسی آرای پیازه، نتایج ذیل به دست آمده است:

نظریه پیازه درباره فرایند یاددهی - یادگیری، برپایه نظریه او پیرامون شناخت و یادگیری و به نوبه خود، مراحل رشد عقلانی و نیز مصاحبه بالینی پی ریزی شده است. برخی از مفروضات اساسی نظریه پیازه عبارتند از این که: همه کودکان از مراحل اساسی حسی - حرکتی، پیش عملیاتی، عملیات عینی و عملیات صوری گذر می کنند. تحول توانایی شناخت هر فردی، تا حد زیادی منحصر به خود او است و تحول شناختی، نتیجه تعامل فرد با محیط اطراف، از جمله معلم است. بدین ترتیب توالی فعالیت معلم و شاگرد در نظریه پیازه را می توان بدین صورت مشخص کرد:

۱- **کاوشگری:** در این مرحله دانش آموزان دست به تجاربی می زنند که برای فهم مفاهیم مورد نظر ضروری است. تدریس در این مرحله فراهم کردن موقعیت تسهیل کننده ای است که در آن دانش آموز با مساله ای متناسب با رشد عقلی خود مواجه می شود و به واسطه فعالیت جسمی و ذهنی خویش، برای حل آن به تکاپو می پردازد. کار معلم این است که با حداقل مداخله حداکثر فرصت را برای کاوشگری فراهم کند. هدف اصلی در این مرحله رو کردن به حالت عدم تعادل در دانش آموزان است، برای این منظور معلم می توان از فنون مختلف استفاده کند. نکته مهم آن است که در فعالیت مورد نظر معلم نقش تسهیل کننده و دانش آموز نقش محوری داشته باشد.

۱- **تبیین:** در این مرحله معلم مفاهیم و اصولی را که می توانند به روشن شدن مشکل دانش آموز کمک کنند؛ ارائه می کند. بنابراین در مرحله تبیین معلم جهت دهنده و از این رو با هدف تعریف واضح و دقیق مفاهیم مناسب به محیط آموزشی جهت می بخشد هدف اصلی در این مرحله نظم بخشیدن به فرایند کار دانش آموزان است. [3]

۲- **انتقال:** در این مرحله پاسخهای شاگردان همراه با دلایلی که فراهم کرده اند فراخوانده می شود سپس تکالیف متنوعی به آنها ارائه می شود و پاسخ های دانش آموزان و نیز دلایل آنها مورد بررسی قرار می گیرد. در این مرحله همواره تلقین معکوس ارائه می شود.

۱. بازاندیشی فرایند یاددهی و یادگیری و تربیت معلم. دکتر محمود مهر محمدی

یافته های نوین در حوزه یاددهی-یادگیری در دوره ابتدایی

مرداد ماه ۱۳۹۹- بندرعباس

نقش معلم و همیار محوری

یافته های پژوهشی و تجربه های عملی بسیاری از معلمان و دانش آموزان نشان می دهد که برای شادتر و ارزشمندتر ساختن آموزش و پرورش، "همیاری در آموختن" توانمندی های فراوان دارد. منظور این نیست که همین که همیاری در آموختن آغاز بشود با موفقیتی بزرگ همراه خواهد شد؛ بلکه سردرگمی ها و انحراف ها و شگفتی های غیر منتظره زیادی در راه است. آمادگی برای روبه رو شدن با این گونه دشواری ها، ما را برای پیمودن فراز و نشیب هایی که در پیش داریم مجهز می سازد. نقش معلم در رویکرد شناختی پیازه این است که فضایی تسهیل کننده برای فعالیت آزادانه دانش آموزان فراهم کند. معلم در این رویکرد به عنوان راهنمای هوشمندی عمل می کند که در هر مرحله دانش آموزان را برای تعادل جویی مستمر تحریک می کند. [4]

نقش دانش آموز

دانش آموز در رویکرد رفتار گرایی، دریافت کننده دانشی است که به صورت های مختلف به وی ارائه می شود و در واقع مسئول پاسخ دهی به هر محرک که از طریق مقابله یک پاسخ یا نوشتن و توجه به تقویت کننده های مثبتی است که با ارائه پاسخ صحیح فراهم می آیند. [2]

نقش دانش آموز در این رویکرد، فراگیری از طریق کاوشگری مطلب متناسب با رشد عقلانی، تحت هدایت معلم است بنابراین شاگرد در تجربه یادگیری نقش فعال دارد. چگونه می توان فرصت های بیشتری برای دانش آموزان فراهم آورد تا اندیشه هایشان را به زبان آورد. پیوند، رابطه شایستگی و خود مختاری را سه نیاز اساسی انسان است^۱. همیاری از راه قرار دادن دانش آموزان در محیط یادگیری سرشار از حمایت، شایستگی را در آن ها تقویت می کند؛ محیطی که فراگیران در آن از همراهی هم گروه های برخوردارند که آن ها را در روکردن اندیشه های جدید و آزمون آن ها یاری می رسانند و علاوه بر ارتباط معلم و شاگرد در این رویکرد ارتباطی دو جانبه است.

اساس کارمعلمی باید بری از حافظه محوری باشد. حافظه محوری خلاقیت کش است. قابلیت های ذهنی دانش آموزان با روش های مبتنی بر حافظه محوری و تاکید بر حفظیات منکوب می شود.

- آموزش های معلم باید منجر به ورزش ذهنی دانش آموزان و تشنه کردن آن ها بشود. وظیفه دانش آموز در چنین محیطی جستن، یافتن و نتیجه گرفتن است. دانش آموز باید پژوهشگر باشد و مدرسه و کلاس درس باید مکان امنی برای دانش آموزان پرسشگر و کنجکاو و ناآرام باشد.
- توانایی پرسشگری دانش آموزان باید تقویت شود و پرسش خوب نیمی از پاسخ است و پرداختن به آن یعنی پرداختن به چرایی و چگونگی پدیده ها یا همان پژوهش است که خلاقیت در آنجا شکوفا می شود. پرسشگری مبنای پژوهشگری و پژوهشگری

۱. دسی واریان ۱۹۸۵

یافته های نوین در حوزه یاددهی-یادگیری در دوره ابتدایی

مرداد ماه ۱۳۹۹- بندرعباس

- مبنای شکوفایی ذهن و خلاقیت متعلمین است. بنابراین باید به پژوهش به عنوان یک راه حل نگاه کنیم و در ترویج آن بکوشیم لذا در چنین موقعیتی است که «مدارس پژوهنده» به عنوان مدارس «آینده» مطرح می‌شوند.
- یکی از اصول مهم برنامه درسی ملی «اعتبار نقش یادگیرنده» است که پژوهش در کانون آن واقع شده است و موجب تقویت روحیه «پرسشگری» و «کاوشگری» و «کارآفرینی» می‌شود.
 - متدهای آموزشی باید با محوریت «دانش» و «مدیریت دانش» و سازمان مدرسه باید به سازمان یادگیرنده تبدیل شوند. سازمان یادگیرنده باید در متن مدارس و محور تولید دانش آموزشی و تربیتی باشد و در آموزش و پرورش ترویج شود.
 - امروز صحبت از «جامعه دانش»، «جامعه اطلاعاتی» و «جامعه یادگیری» است که ویژگی‌های چنین جوامعی بحث مفصلی را می‌طلبد.
 - از اصول دیگر، نقش فناوری اطلاعات IT، ICT و پدیده هوشمندسازی است که از ابزارهای مهم مدرسه محوری است و از طریق آن همه فعالیت‌های یادگیری با تکیه بر جدیدترین دستاوردهای الکترونیکی و ارتباط با شبکه‌های جهانی صورت می‌گیرد.

مدارس هوشمند سه تفاوت عمده با مدارس سنتی دارند:

- **یادگیری خودیاب:** که در آن فرآیند یادگیری - یاددهی را خود دانش آموز قالب بندی و صورت بندی می‌کند.
- **یادگیری خودآهنگ:** که طراحی جریان یادگیری براساس استعداد دانش آموز و علایق او صورت می‌گیرد و دانش آموزان براساس توانایی‌های خود فرا می‌گیرند.
- **یادگیری خود راهبر:** که در این شیوه یادگیری را خود دانش آموزان طراحی و مدیریت و هدایت می‌کنند.^[5]

ایجاد انگیزه و هدف، شرایط محیط آموزشی، روش تدریس و برخورد معلمان از عوامل مؤثر برای ایجاد محیط امن جهت یادگیری می‌باشند. یادگیری معلول انگیزه‌های متفاوتی است. از مهم‌ترین آن‌ها میل و رغبت دانش آموز به آموختن است که باعث می‌شود او را به فعالیت وادارد. عامل دیگر انگیزه، هدف است که به انسان جهت می‌دهد. اگر انسان هدف قابل وصولی داشته باشد او را به خواستن و طلب کردن وادار می‌کند و نیروی لازم برای فعالیت را به او می‌دهد و سبب پیدایش اراده در او می‌شود.

مواردی که باعث ایجاد انگیزه و هدف در دانش آموزان می‌شود:

۱. حسین سنجرى- نقش معلم در فرایند یاددهی و یادگیری

یافته های نوین در حوزه یاددهی-یادگیری در دوره ابتدایی

مرداد ماه ۱۳۹۹- بندرعباس

۱. فهمیدن مطالب و لذت بردن از آنها.
۲. استفاده بهینه از فضای آموزشی برای جلب نظر دانش آموزان.
۳. ساماندهی مطالب و فنون تدریس.
۴. استفاده از تجارب و اطلاعات گذشته دانش آموزان.
۵. اجازه دادن به دانش آموزان برای بیان آزادانه افکار خود.
۶. ایجاد محیطی صمیمی و به دور از اختلاف.

فضاهای آموزشی به دلیل محدودیت‌های خاص خود، برای خشک و بی روح شدن مستعد است، اما باید تمام تلاش‌ها را به کار گرفت تا از وقوع این حادثه جلوگیری کرد. اهمیت دادن به فضاهای آموزشی و رعایت اصول و استانداردهای مربوط به آن در طراحی این مراکز منجر به خلق محیطی متناسب با خواسته‌های روانی دانش‌آموزان و در نتیجه جامعه می‌گردد. ریشه علاقه هر دانش‌آموز به آموختن در مدرسه و قرار گرفتن در محیط آموزشی شکل می‌گیرد و در صورت ناهماهنگ بودن محیط با انتظارات فرد حس دافعه و عدم علاقه به یادگیری در فراگیر شکل می‌گیرد.

اگر معلم یادگیری را فقط کسب معلومات بداند و از روشهای غیرفعال استفاده کند و مطالب را طوطی وار از دانش آموز بخواهد و با اصول یادگیری آشنا نباشد، مسلم است که در تقویت کنجکاوی و پرورش استعداد و تفکر علمی شاگردان موفقیتی بدست نخواهد آورد. اگر معلم خود را راهنما و ایجاد کننده شرایط مطلوب یادگیری بداند، به جای انتقال اطلاعات، روش کسب تجربه را به شاگردان می‌آموزد و آنان را در برخورد با مسائل، فعالتر خواهد کرد و با چنین روشی، شاگرد فقط حقایق علمی را یاد نمی‌گیرد بلکه با روش های کسب معرفت نیز آشنا می‌شود و در فرایند یادگیری، ابتکار و خلاقیت خود را به کار خواهد انداخت.^۱

نقش اقتدار معلم در یادگیری دانش آموزان

اساسی‌ترین عامل برای ایجاد موقعیت مطلوب در تحقق هدفهای آموزشی، معلم است. اوست که می‌تواند حتی نقص کتاب‌های درسی و کمبود امکانات آموزشی را جبران کند یا برعکس، بهترین موقعیت و موضوع تدریس را با عدم توانایی در ایجاد ارتباط عاطفی مطلوب به محیطی غیر فعال و غیر جذاب تبدیل کند. در فرایند تدریس، تنها تجارب و دیدگاه‌های علمی معلم نیست که موثر واقع می‌شود، بلکه کل شخصیت اوست که در ایجاد شرایط یادگیری و تغییر و تحول شاگرد تاثیر می‌گذارد.

۱. زهرا اسماعیلی - ایجاد محیطی امن برای یادگیری

یافته های نوین در حوزه یاددهی-یادگیری در دوره ابتدایی

مرداد ماه ۱۳۹۹- بندرعباس

دیدگاه معلم و فلسفه‌ای که به آن اعتقاد دارد، در چگونگی کار او تاثیر شدیدی می‌گذارد، بطوری که او را از حالت شخصیتی که فقط در تدریس مهارت دارد خارج می‌کند و به صورت انسان اندیشمندی در می‌آورد که مسئولیت تربیت انسان‌ها را بر عهده دارد. بر شمردن ویژگی‌های معلم کارچندان آسانی نیست. زیرا جوامع مختلف با فلسفه‌ها و نگرش‌های مختلف، انتظارات متفاوتی از معلم دارند. ولی می‌توان کم و بیش به مشترکاتی که معلمان در همه جا لازم است داشته باشند، اشاره کرد.

ویژگی های شخصیتی معلم و نقش آن در تدریس

معلم شاگرد نگر (شاگرد نگر فردی - شاگرد نگر جمعی)
معلم درس نگر (علمی و فلسفی)

معلم شاگرد نگر

این گروه از معلمان، شاگردان را هسته مرکزی فعالیت خود قرار می‌دهند. آنان را محور اصلی فعالیت‌های آموزشی می‌دانند. آنان فعالیت و رشد همه جانبه شاگردان را در نظر می‌گیرند و مواد درسی و انتقال دانش را برای پرورش آنها به کار می‌برند. این گروه به طور کلی، به پرورش استعداد شاگردان شوق فراوان دارند. البته نباید تصور کرد که معلمان دیگر هیچ توجهی به شاگردان ندارند. بلکه می‌توان گفت که این دسته از معلمان بیشتر از دیگران، شاگردان را در نظر می‌گیرند و رفتارشان نسبت به شاگردان به گونه‌ای است که توجه هر مشاهده کننده‌ای را در نخستین برخورد به خود جلب می‌کنند. گروه شاگرد نگر را می‌توان به دو دسته کوچکتر در شاگرد نگر فردی و شاگرد نگر جمعی تقسیم کرد.

شاگرد نگر فردی و شاگرد نگر جمعی

شاگرد نگر فردی به ویژگی‌های فردی شاگردان، بیشتر توجه دارد و یکایک آنان را شناسایی و با هر کدام مطابق خصوصیات فردی‌اش رفتار می‌کند. در حالیکه شاگرد نگر جمعی بیشتر به جمع شاگردان و پرورش جمعی آنها توجه دارد. این گروه از معلمان با استفاده از روان‌شناسی پرورشی و روان‌شناسی نوجوانی در جهت تربیت و پیشرفت کلی همه شاگردان تلاش می‌کنند. رفتار این معلمان نسبت به رفتار معلمان شاگردنگر فردی رسمی‌تر است. این دسته از معلمان چندان به عواطف و درخواست‌های شاگردان توجه ندارند.

معلمان درس نگر

یافته های نوین در حوزه یاددهی-یادگیری در دوره ابتدایی

مرداد ماه ۱۳۹۹- بندرعباس

معلمان درس نگر بیشتر به درس اهمیت می دهند تا پرورش شاگرد. تمام کوشش آنها بر این است که به هر طریقی که شد، درس را به شاگرد انتقال دهند. گروه درس نگر، به شاگردان و تفاوت های فردی آنها توجه ندارند، یا آن را چندان مهم تلقی نمی کنند. به نظر این گروه شاگردان موظفند که درس را بطور کامل یاد بگیرند و به معلم پس دهند. به اعتقاد افراد این گروه، حقایق علمی شاگردان را برای زندگی اجتماعی آماده می سازند و به همین دلیل، کسب دانش در درجه اول اهمیت قرار دارد. گروه درس نگر را نیز می توان به دو گروه کوچکتر درس نگر علمی و درس نگر فلسفی تقسیم کرد.

درس نگر علمی

گروه درس نگر علمی بیشتر به رشته های علمی علاقه مند هستند و می کوشند تا از این نظر دانش خود را روز بروز گسترش دهند. با آنکه مطالب درسی آنها گیرایی درس های فلسفی و اجتماعی را ندارند، به سبب اطلاعات وسیعی که در رشته های علمی دارند، می توانند شاگردان را به سوی خود جلب کنند. تأثیری که معلمان درس نگر علمی در شاگردان می گذارند، ناشی از شخصیت آنان نیست، بلکه زاده وسعت اطلاعات آنهاست.

چنین تأثیری معمولاً تعلیمی است نه تربیتی، ولی بطور غیر مستقیم شاهد تأثیر تربیتی هم هستیم. اگر چه علاقه این گروه از معلمان بیشتر به رشته های علمی و مواد درسی است تا شاگردان، دلبستگی آنها به علم باعث می شود که گاهی شاگردان با علاقه فراوان در کلاس درسشان حاضر شوند.

درس نگر فلسفی

گروه درس نگر فلسفی با اینکه به درس بیشتر از شاگردان توجه دارند، اما چون اغلب به مسائل کلی و اجتماعی می پردازند، کلاسشان گیرا می باشد. شاگردان نسبت به این معلمان گرایش بیشتری دارند. این گروه با شخصیت بارزی که دارند، به عنوان سرمشق و انسان آرمانی مورد توجه شاگردان واقع می شوند.

سازمان یونسکو در سال ۱۹۹۶ میلادی کتابی با عنوان خصوصیات یک معلم خوب منتشر کرد که در آن بیش از ۵۰۰ دانش آموز از ۵۰ کشور جهان درباره ویژگی یک معلم خوب اظهار نظر کردند، سه مشخصه اصلی آن: زمینه علمی، مهارت های حرفه ای و خصوصیات شغلی بود، در کل فلسفه معلمی را در صبوری، انعطاف پذیری، خلاقیت، کارآمدی، فروتنی بیان نمودند^۱.

۱. سایت مهر و ماه - خصوصیات یک معلم خوب در نظر سنجی یونسکو

یافته های نوین در حوزه یاددهی-یادگیری در دوره ابتدایی

مرداد ماه ۱۳۹۹ - بندرعباس

معلمان و مربیان

معلمان و مربیان، دوره ابتدایی را آموزش مقدماتی و یادگیری اصول و مبادی علم و دانش، نامگذاری می کند. همچنین از دیدگاه آنان در این دوره کودک باید مهارت های ضروری مشخصی را که هم در متن برنامه های آموزش و پرورش است و هم به صورت فعالیت های فوق پیش بینی شده است فرا گیرد، همچنین از دیدگاه معلمان و مربیان، این دوره یک مرحله مهم و حساس برای میل به فعالیت و پیشرفت در فرد است؛ یعنی در این دوره عادت به کم کاری یا پر کاری و یا کار متناسب با ظرفیت در فرد به وجود می آید و در طول زندگی آینده و بزرگسالی نیز پا برجا می ماند. مطالعات نشان داده است که این عادت می تواند در تمام عمر، نه تنها در فعالیت های تحصیلی بلکه در کلیه جنبه های زندگی باقی و پایدار بماند^۱.

سن همانند سازی

این دوره از نظر روانشناسان، سنین گرایش به دسته و گروه است یعنی دوره ای که کودکان به پذیرفته شدن در گروه و تایید از جانب اعای دسته و گروه توجه زیادی می کنند و بسیار تلاش می کنند تا خود را از نظر ظاهر گفتگو و رفتار با دسته و گروه همسالان خود تطبیق دهند و به همین علت روانشناسان این دوره را سن همانند سازی نامگذاری کرده اند. مطالعات جدید درباره خلاقیت نشان داده است که اگر کودکان در این دوره با موانع محیطی یا استهزای بزرگسالان و همسالان روبرو نشوند می توانند انرژی خود را در جهت فعالیت های خلاق سوق دهند، از این رو روانشناسان این دوره را سن خلاقیت نیز نامگذاری کرده اند یعنی دوره ای که در آن معلوم خواهد شد کودک در آینده خلاق و مبتکر می شود یا دنباله رو و پیرو خواهد ماند. البته پایه و شالوده روحیه خلاق در دوره ابتدایی کودکی اول ریخته می شود اما به طور کلی توانایی استفاده از آن در فعالیت های ابتکاری، در دوره کودکی دوم به وجود می آید. [6]

سن بازی

این دوره در مقایسه با مقاطع سنی دیگر (خصوصاً کودکی اول) بیشتر به بازی اختصاص پیدا می کند، زیرا زمانی که کودکان وارد مدرسه می شوند میزان بازی آنها در مقایسه با دوره قبل کمتر نمی شود بلکه به آن دلیل که فعالیت های بازی در این دوره بسیار متنوع است و گسترش زیادی پیدا می کند بازی های این دوره خصوصیات دوره اول و ویژگی های دوره نوجوانی را توامان دارد.

نقش بازی در رشد کودک

در اینکه چه زمانی نظر متفکران به اهمیت بازی در رشد کودک جلب شده است تاریخ مشخصی وجود ندارد ولی شاید فلاسفه یونان از جمله افلاطون از اولین کسانی باشند که به ضرورت و نقش بازی در رشد کودکان توجه کرده اند، در میان مربیان شاید برجسته ترین فردی که مطالعه ای منظم در زمینه بازی و اهمیت آن در تربیت کودک انجام داده است فروبل باشد.

۲. روانشناسی رشد دکتر سوسن سیف، پروین کدیور؛ رضا کرمی و حسین لطف آبادی

یافته های نوین در حوزه یاددهی-یادگیری در دوره ابتدایی

مرداد ماه ۱۳۹۹- بندرعباس

در اواخر قرن نوزدهم، کارل گروس از طریق مطالعه بازی های جانوران، نظریه جدیدی را در بازی مطرح کرد به نظر او بازی تمرینی است که انسان را برای زندگی آماده می کند و در رشد جسمانی و یادگیری تاثیر بسزایی دارد. [7]

گروس بازی ها را به دو دسته تقسیم می کند :

۱- بازی هایی که در آنها کنش عمومی مطرح می شود.

۲- بازی هایی که کنش های اختصاصی را مشخص می کند.

بازی توانایی های کودکان را به کار می اندازد و خلاقیت را به همراه می آورد کودکان ضمن لذت از بازی، همچون بزرگسالان به آن نگاه نمی کنند، کودک از بازی لذت می برد، از طریق بازی کودک نحوه زندگی در جامعه را می آموزد و برای بزرگسالی آماده می شود.

عوامل موثر در عملکرد خلاق معلمان

یکی از عوامل موثر در کیفیت یادگیری دانش آموزان، ساختار کلاس درس است.

معلمان از طریق کلاس ها به آموزش محتوای برنامه آموزشی می پردازند. ساختار کلاس شرایط و جو حاکم بر کلاس یا به عبارتی مجموع کیفیت محیطی داخل هر کلاس است. ساختار کلاس از جنبه های مختلف فیزیکی، عاطفی، فکری و اجتماعی می تواند مورد توجه قرار گیرد. معلمان از طریق چگونگی عملکرد در جنبه های مطرح شده می توانند سبب رشد یا بازداري خلاقیت در کلاس باشند. [8]

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر بر در نظر گرفتن حساسیت دوران کودکی و اهمیت این دوران در شکل گیری هویت و شخصیت فرد و بررسی عوامل و عناصر موثر در فرایند شکل گیری هویت کودکان و آسیب شناسی هویت اسلامی در میان نوآموزان مقطع پیش دبستانی معطوف بود. با توجه به نتایج و یافته های تحقیق، می توان گفت که هویت کودکان دارای ابعاد متعددی است که مهم ترین آنها بعد فرهنگی، اجتماعی و روانی هویت است. هویت فرهنگی، وجوهی مانند زبان، دین، سن، ارزش ها، توقعات، دانش ها، شیوه های فکری و اسلوب زندگانی را دربرمی گیرد. در بعد روانی هویت، باید علاوه بر شناخت اجتماعی به عواطف و احساسات و تلقیات کودک نیز اشاره کرد. اما مهم ترین بعد هویتی کودک یعنی بعد اجتماعی بطور خلاصه عبارتند از: خانواده، زبان، دین، زادگاه، شغل، سن، جنسیت، معتقدات، ملیت و تاریخ نام برد. همچنین بر اساس نتایج به دست آمده، آسیب های مختلف مربوط به خانواده، محیط آموزشی و فضای مجازی می توانند شکل گیری و نهادینه شدن هویت اسلامی در نوآموزان مقطع پیش دبستانی را با تهدید مواجه گردانند. در زمینه خانواده، مهم ترین آسیب های شکل گیری هویت اسلامی در نوآموزان عبارت از: کم رنگ شدن آداب و مناسک دینی در خانواده ها، کاربست شیوه های فرزند پروری نامناسب و مغایر با آموزه های اسلام، مادی گرایی افراطی خانواده ها، برداشت ناصحیح والدین از مفهوم روشنفکری، جایگزینی ردایل به جای فضایل در خانواده و سایر آسیب ها هستند. در زمینه محیط آموزشی، مهم ترین آسیب ها عبارت است از: آسیب های روش شناختی در

یافته های نوین در حوزه یاددهی-یادگیری در دوره ابتدایی

مرداد ماه ۱۳۹۹- بندرعباس

آموزش قرآن و معارف اسلامی، نامناسب بودی صلاحیت های برخی از مدیران و مربیان، القای تصورات اشتباه پیرامون اسلام به نوآموزان و آسیب های فراسازمانی هستند. در نهایت در زمینه فضای مجازی و رسانه ای، مهم ترین آسیب های شکل گیری هویت اسلامی در نوآموزان عبارت است از: آسیب های مربوط به کانال های تلویزیونی ماهواره ای و شبکه های اجتماعی، آسیب های مربوط به بازی های رایانه ای و دستگاه تلفن همراه و عدم نظارت والدین بر فعالیت های کودکان در دنیای مجازی و... هستند.

یافته های نوین در حوزه یاددهی-یادگیری در دوره ابتدایی

مرداد ماه ۱۳۹۹- بندرعباس

منابع

- ۱- ج، کرتی، بریان، یادگیری فعال، ترجمه، تن ساز، فروغ، انتشارات مدرسه، تهران، ۱۳۷۳
- ۲- مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران (سند تحول بنیادین آ . پ آذر ماه ۱۳۹۰)
- ۳- سیف، سوسن و پروین، کدیور و کرمی نوری، رضا و لطف آبادی، حسین، روانشناسی رشد(۱)، ۱۳۷۹
- ۴- سیف، علی اکبر، روانشناسی پرورشی، یادگیری و آموزش، ویرایش ۵ تهران، ۱۳۷۹
- ۵- کدیور، پروین، روانشناسی یادگیری، تهران، چاگ نهم، ۱۳۸۹
- ۶- رایس، ف. فلیپ، ترجمه دکتر مهشید فروغان، رشد انسان
- ۷- مهرمحمدی، محمود، یادگیری و تربیت معلم، بازاندیشی فرآیند یاددهی، انتشارات مدرسه، تهران، ۱۳۷۹
- ۸- سام خانیان، محمد ربیع و جهانیان، رمضان، خلاقیت و نوآوری در سازمان مدیریت آموزشی، انتشارات اسپند هنر، ۱۳۸۱